

در سال های اخیر مستند و گزارش های مختلفی در مورد واقعه مزار شریف و شهید صامی تولید شده اما شاید مهم ترین تولیدات فرهنگی در این موضوع مستند «چه کسی ما را کشت» ساخته محمد حسین جعفریان و فیلم سینمایی «مزار شریف» با بازی حسین یاری، مهتاب کرامتی و... باشد



چرا ۱۷ مرداد را «روز خبرنگار» نامیده اند؟

# شلیک به قلب دیپلماسی و رسانه



عکس: ایرنا

۱۷ مرداد هر سال در يك اقدام ناگهانی، خبرنگاران، روزنامه نگاران و جایگاهشان به عنوان نقش آفرینان رکن چهارم دموکراسی اهمیت می یابد، خبرنگاری که تا پیش از این برای انجام وظایف رسانه ای شان باید به دنبال مسؤولان و هنرمندان می دوییدند، حالا در همایش ها و نشست های ویژه این روز بر صدر می نشینند و تکریم می شوند. اما چرا ۱۷ مرداد روز خبرنگار نامگذاری شده است؟ در این گزارش مروری بر اتفاقات این روز داشته ایم؛ روزی که با وجود گذشت سال ها از آن، تلخی اش احساس می شود.

حالا ۲۱ سال از روزی که ده دیپلمات و يك خبرنگار ایرانی در شهر مزارشریف به شکل مظلومانه ای به شهادت رسیدند، می گذرد. ماجرا از حمله طالبان به شهر مزارشریف آغاز می شود، جایی که این شهر توسط این گروه تروریستی اشغال می شود و پس از حمله طالبان به مقر کنسولگری ایران در مزارشریف، گزارش ها از ناپدید شدن دیپلمات ها و خبرنگار ایرانی حکایت دارد. البته برخی معتقدند به جز طالبان، نیروهای سپاه صحابه، يك گروه ضدشیعه پاکستانی نیز در این واقعه نقش دارند.

محمد وفایی  
خبرنگار

## چه کسی ما را کشت؟

چند روز قبل از رسیدن ۱۷ مرداد و مفقود شدن دیپلمات ها و خبرنگار ایرانی، با توجه به تصرف شهر مزارشریف توسط طالبان، برخی نسبت به وضعیت کنسولگری ایران در این شهر ابراز نگرانی می کنند. اما وزارت خارجه اعتنایی نمی کند و تاکید دارد که نیروهای ایرانی در افغانستان بمانند. محمد حسین جعفریان، روزنامه نگار و مستندساز که تا دو روز قبل از ماجرا در مزارشریف حضور داشته و با ساخت مستند «چه کسی ما را کشت؟» به این واقعه پرداخته، معتقد است ترك نكردن افغانستان اشتباه بزرگی بوده است. «هیچ کس سر درنیارود دوستان وزارت خارجه چگونه به این تصمیم رسیدند که اینها در مزارشریف بمانند؟ چه لزومی داشت که این افراد در مزارشریف بمانند، وقتی ما طالبان را به رسمیت نمی شناسیم و طالبان دارد شهر را می گیرد. کنسولگری که نمی تواند کار کنسولی انجام دهد، طالبان را هم که به رسمیت نمی شناسیم، لذا باید سفارت را تعطیل کنیم. اما چرا دیپلمات ها در آنجا ماندند؟ کسی پاسخگو نیست».

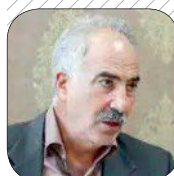
همسر شهید  
صامی: آن روز  
به من گفت  
صدای انفجارها را  
می شنوی؟ این قدر  
نزدیک شدند  
گوشی را طوری  
گرفت که من صدای  
جیرجیر زنجیر  
تانک ها را شنیدم



## مقاومت در برابر طالبان

محسن پاك آیین، سفیر وقت ایران در ازبکستان (که با مزارشریف مرز مشترك دارد) روایت دیگری از ماجرا دارد و می گوید، در ۱۳ مرداد به کنسولگری پیشنهاد خارج شدن از شهر مزارشریف را داده، اما خودشان این پیشنهاد را نپذیرفته اند. «با آقای ناصر ریگی، سرکنسول ایران در مزارشریف صحبت کرده و گفتم ما نگران جان شما هستیم، به همین دلیل روایت کردید ورود شما به «ترمذ» (يك نقطه مرزی میان دو کشور افغانستان و ازبکستان) را گرفته ایم و بهتر است در اولین فرصت و تا امن شدن شهر شما و بقیه همکاران از جمله آقای صامی به ترمذ بیايند. اما آقای ریگی گفت نه ما باید اینجا بمانیم، چون اگر سرکنسولگری تعطیل شود، مردم می ترسند و از مقاومت دست می کشند. صحبت های آقای ریگی که نشانه ای از ایمان و ایثار داشت، حاکی از این بود که وی و همکارانش، مصمم به حضور در کنسولگری و انجام وظایف خود هستند.» البته با وجود پاسخی که سرکنسول ایران در مزارشریف ارائه کرده،

...مددشاهسوند،  
عضو کنسولگری  
ایران تنها بازمانده  
حادثه است  
او موفق شد از  
مزارشریف فرار کند  
و پس از طی مسیری  
طولانی و تحمل  
سختی های بسیار  
به ایران می رسد



## روایت تنها شاهد عینی

...مدد شاهسوند، عضو کنسولگری ایران در مزارشریف تنها بازمانده حادثه است و می تواند دقیق ترین روایت را از زمان حادثه ارائه کند. او می گوید از آنجا که پاکستان به وزارت خارجه ایران برای حفظ جان دیپلمات ها ضمانت داده بود، وقتی گروه کوچکی از طالبان در کنسولگری را به صدا درمی آوردند، آنها در را باز می کنند. «البته به طرز وحشیانه ای در می زدند و معلوم بود اگر باز نکنیم هم به زور وارد می شوند. آنها بدون هیچ دلیلی متعرض ما شدند و با ضرب و شتم، همه مان را بردند داخل اتاقی در زیرزمین که يك در آهنی داشت. قفل بزرگ و محکمی به آن زدند و رفتند. در آن اتاق يك تلفن بود که طالب ها متوجه آن نشده بودند. با ایران تماس گرفتیم و به ما قول دادند همه تلاششان را انجام دهند. يك ساعت بعد یکی از آنها دوباره آمد به زیرزمین و در فاصله چهار متری همه را به رگبار بست. در همان لحظه من خودم را روی زمین پرت کردم و نیم ساعت بعد که مطمئنم شدم کنسولگری را ترك کرده اند، بیرون آمدم.» شاهسوند در نهایت موفق می شود از مزارشریف فرار کند و پس از طی مسیری طولانی و تحمل سختی های بسیار، به ایران می رسد.

## شهادت آقای خبرنگار



به جز ده دیپلمات، محمود صامی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) نیز در این حادثه حضور داشت. صامی که سابقه حضور در دفاع مقدس هم در زندگی اش به چشم می خورد، متولد ۱۳۴۷ بود و در سال ۱۳۷۰ همکاری اش با ایرنا را آغاز کرد و از سال ۱۳۷۵ به عنوان مسؤول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در مزارشریف انتخاب شد. او بین شهدای این حادثه تنها کسی بود که به کنسولگری وابستگی سازمانی نداشت و برای انجام رسالت خبری خود در مزارشریف حضور داشت. همسر شهید صامی می گوید در ساعت يك و نیم بامداد همان روز با همسرش صحبت کرده است. «آن روز به من گفت صدای انفجارها را می شنوی؟ این قدر نزدیک شدند. گوشی را طوری گرفت که من صدای جیرجیر زنجیر تانک ها را شنیدم. گفت طالبان وارد شهر شده اما بیشتر از این هم سابقه داشته که طالبان وارد شهر شده اند و اتفاق خاصی ان شاء... رخ نمی دهد و ما هم آنقدر نگران نشدیم.» در نهایت پیکر شهدای کنسولگری پس از گذشت چند روز و پیگیری های فراوان پیدا شد و به کشور بازگشت. در نخستین سالگرد این واقعه، شورای فرهنگ عمومی تصویب کرد که روز ۱۷ مرداد از این پس به عنوان روز خبرنگار ثبت شود.